

پاسخ نقد

عباس مخبر

در شماره بیست و هفتم آن نشریه (پاییز ۷۷) مطلبی با عنوان "معرفی و نقد دو ترجمه" به قلم آقای دکتر مجدالدین کیوانی به چاپ رسیده است. یکی از آن دو ترجمه کتاب "قدرت اسطوره" نوشته ژوزف کمبل، ترجمه این جانب و از انتشارات نشر مرکز است. مطلب زیر پاسخ یا توضیحی بر نوشته ایشان است

در شرایط نبود هرگونه نقد و معرفی جدی کتاب، چاپ گفتاری در نقد یا معرفی کاری که مترجمی انجام داده است، آن هم در یک فصلنامه تخصصی، و به قلم یک استاد شناخته شده زبان‌شناسی و دست‌اندرکار، یقیناً خوشحال‌کننده است. اصولاً نفس این مطلب که هنوز توجه و عنایتی وجود دارد و مغتنم است و جای سپاسگزاری دارد. از طرف دیگر اعتبار فصلنامه مترجم و نویسنده نقد در پیشگاه اهل نظر هم سطح توقع و انتظار مترجم را بالا می‌برد، و هم انگیزه او را برای پاسخگویی و دفاع از کار انجام شده افزایش می‌دهد.

نوشته دکتر کیوانی معرفی مطالب کتاب، پیشنهاد برابره‌های فارسی چهار واژه به جای معادل‌های انتخاب شده توسط مترجم، و لزوم اضافه کردن یک واژه‌نامه در پایان کتاب است. در اینجا برای آنکه باب بحثی در زمینه ترجمه گشوده شود یکی از موارد اشکال آقای دکتر کیوانی را به تفصیل توضیح می‌دهم و بقیه را نیز به اختصار برگزار می‌کنم. آقای دکتر انتخاب معادل "انگاره" را برای واژه "image" نپسندیده‌اند چون به گفته ایشان در گذشته "ظاهراً تنها یکی از مترجمان انگاره" را معادل با "image" انتخاب کرده و "انگاره" ذهن را بیشتر به معنای فرض و گمان سوق می‌دهد و معادل‌های متداول‌تر این واژه صورت خیال، خیال، صورت ذهنی، نگاره، نگاره ذهنی، صورت خیالی و تصویر ذهنی است^۱

اما برخلاف نظر آقای دکتر در اثر مورد بحث در برابر واژه "image" معادل‌های فارسی صورت خیال (ص ۱۴۶، P.92)، تصویر ذهنی (ص ۲۳۸، P.151)، نگاره (ص ۲۶۶، ۳۱۸، ۲۳۰، PP. 179, 217, 224)، تصویر (صص ۳۰۶، ۳۰۷، P.209)، تصور (ص ۳۰۶، P.209) و البته انگاره (صص ۱۶۰، ۲۱۳، PP. 102, 141) به کار گرفته شده‌اند. در واقع این بحث زمانی می‌توانست معنادار باشد و به بحثی جدی در حوزه نقد ترجمه تبدیل شود که همین پدیده، یعنی انتخاب چندین معادل فارسی برای یک واژه واحد انگلیسی در یک متن را بررسی می‌کرد. به گمان من این موضوع یکی از نکات کلیدی حوزه ترجمه و همان پدیده‌ای است که ترجمه را به صفت "باز آفرینی" متصف می‌کند. کاری که به هیچ وجه از عهده ماشین‌های ترجمه بر نمی‌آید. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود و این

بحث می‌تواند جالب‌تر از این باشد. واژه فارسی "انگاره" در این اثر به جای واژه‌های انگلیسی "idea" در چند مورد^۱، "pattern" (دست‌کم یک مورد^۲) "imagery" دست‌کم یک مورد به کار رفته است. حال آنکه همین واژگان، در همین متن و در جاهای دیگر با معادل‌های دیگر برگردانده شده‌اند. در این مورد می‌توان یک بحث زبان‌شناختی جذاب را مطرح کرد که می‌تواند نقدی بر به زنجیر کشیدن واژگان در قالب معنای واحد، و برای مترجمان تازه کار بسیار سودمند باشد. فقط به اختصار به این نکته اشاره می‌کنم که بار معنایی گسترده این قبیل واژه‌ها در زبان انگلیسی و استفاده از آنها به عنوان واژه‌ای غیر تخصصی در متن حاضر، بهره‌گیری از معادل‌های فارسی مختلف آنها را حتی گاهی در یک صفحه الزامی می‌کند. شاید همین استفاده از معادل‌های نایکسان برای یک واژه و معادل‌های یکسان برای چندین واژه متفاوت بتواند زاویه‌ای مناسب به گوشه‌ای از نقد ترجمه بگشاید.

معادل دیگری که آقای دکتر نپسندیده‌اند، معادل "انسان‌ریخت" به جای anthropomorphism است که به گمان مترجم هم با توجه به ساخت معنایی واژه انگلیسی و هم بادر نظر گرفتن آهنگ فارسی واژه‌ها از معادل‌های پیشنهادی ایشان یعنی "انسان‌وارانگاری" و "انسان‌گونه‌انگاری" بهتر است، ولو آنکه کسی قبلاً آن را به کار نبرده باشد. معادل‌های "انسان‌انگاری خدا" و "تشبیه" هم نادرست است چون اصولاً در متن مورد بحث از خدا صحبت نمی‌شود، بلکه "نیروهای طبیعی" مد نظر است.

در مورد واژه personify ذکر این نکته لازم است که در متن حاضر در حالت‌های لازم، متعدی و اسمی (To personify, being personified, personification) همراه با دو واژه personal و impersonal از همین خانواده به کار رفته است. با توجه به اینکه در متن از "خدای شخصی" و "خدای غیر شخصی" سخن رفته و با ذکر مثال نیز این دو مفهوم توضیح داده شده است. با عنایت به نکته فوق، مترجم در متن حاضر معادل "شخصی کردن" را بر معادل‌های "تشخیص" و "شخصیت بخشیدن" که در فارسی بار معنایی خاصی دارند ترجیح می‌دهد.

معادل درست "behavioristic psychology" همان "روان‌شناسی رفتارگرا" است که "الف" آخر در چاپ جا افتاده است.

ترکیب "physical sciences" در متن به گونه‌ای به کار رفته است که گویی فقط به انسان و ساز و کارهای جسمی او اشاره می‌کند. با توجه به اینکه عبارت "physical anthropology" نیز در فارسی "مردم‌شناسی جسمانی" ترجمه شده است مترجم معادل "علوم جسمانی" را برگزیده است، هر چند هنوز هم این تردید را دارد که شاید معادل‌های "علوم مادی"، "علوم فیزیکی" یا "علوم طبیعی" بهتر باشد.

در مورد واژه‌نامه غالباً ماجرا به این صورت است که ناشران در مورد گنجاندن یا

ادامه در صفحه ۹۲

نگنجاندن